

علل ناپایداری امنیتی دوره قاجاریه*

جهانبخش ثواقب^۱

چکیده

امنیت یکی از مقوله‌های اساسی در نظام‌های سیاسی است که ثبات و پایداری آن را رقم می‌زند و نیز از جمله شاخص‌های ضروری برای پیشرفت یک جامعه محسوب می‌شود. نبود امنیت، شکنندگی و ناپایداری نظام سیاسی را در پی دارد. از این رو حکومت‌ها به شیوه‌های گوناگون بر آن بوده‌اند تا از چالش‌های برهم زنده امنیت قلمرو خود جلوگیری کرده و با عوامل ناامنی بستیزند. یکی از مشکلات حکومت قاجاریه چالش‌های امنیتی بود که به علت‌های گوناگون با آن‌ها رو به رو بود. عوامل متعددی، در این دوره، امنیت اجتماعی را به هم می‌ریخت و با همه تدابیری که برخی از رجال دولت برای غلبه بر ناامنی‌ها به کار می‌بستند، امنیت پایدار پدید نمی‌آمد. در این مقاله برخی از عوامل مؤثر در بروز ناامنی اجتماعی در دوره قاجاریه به شیوه توصیفی - تحلیلی، بررسی و تبیین شده است. یافته پژوهش نشان می‌دهد که از جنبه درونی، ساختار سیاسی موجود (تفکر ایلی حاکمیت، بافت قومی - قبیله‌ای جمعیت، حاکمیت استبدادی شاهزادگان قاجاری در ایالات)، مؤلفه اصلی در بسترسازی ناامنی در این دوران بوده است. کلید واژه‌ها: قاجاریه، امنیت، ناامنی، حکام ایالات، ایلات، نیروهای امنیتی.

Reasons behind Instability and Absence of Security during the Ghajarid Period

Jahanbakhsh Savagheb²

Abstract

For a political system, security is one of the instrumental categories which determine the stability of a government, and it is a necessary index of progress in a society. Absence of security can lead to political instability and impermanence. Using different measures, therefore, governments have always tried to prevent the factors challenging the security and peace in their territories. The Ghajarid government suffered from security problems for different reasons. Various factors challenged the social security, and although some of the statesmen took drastic measures to prevent unrest and commotion, permanent stability did not emerge during the period. The present study deals with some of the main causes of social unrest during the Ghajarid period in a descriptive-analytical manner. Findings show that the political structure created the predisposition to unrest and insurrection since it was based on tribal bases of ruling, tribal and ethnic supremacy and the despotic rule of Ghajarid princes in different provinces; and it was the main internal root of instability.

Key Words: Ghajarid, Security, Unrest, Rulers of Provinces, Tribes, Security Forces.

مقدمه

یکی از چالش‌های اصلی نظام‌های حکومتی ایران در درازنای تاریخ چگونگی برقراری امنیت و ماندگاری و تداوم آن بوده است. زیرا، شکنندگی و ناپایداری آن در اثر عوامل گوناگون بر حیات سیاسی آن‌ها تأثیر منفی می‌گذاشت و موجب می‌شد که تدابیری را برای مواجهه با ناامنی به کار بندند. در دوره قاجاریه نیز به سبب وضعیت گسترده جغرافیایی، وجود قبایل و عشایر و بافت جمعیتی عشیره‌ای گوناگون، راه‌های ناامن و ناهموار، تهاجمات مکرر ایلی به نواحی شهری و کاروان‌ها، ضعف نیروهای امنیتی و عوامل بازدارنده، ساختار ناکارآمد نظام اداری، فقر و تنگدستی و فشار مالی بر مردم به‌ویژه روستانشینان، حضور قدرت‌های اروپایی و دخالت‌های آن‌ها در امور داخلی و حتی دامن زدن به شورش‌ها و تمایلات جدایی‌خواهانه، جنگ‌های متعدد در نواحی غربی، قفقاز، شمال شرق و خراسان و ...، شورش‌های شاهزادگان قاجاری، ناامنی شهرها از سوی دزدان و راهزنان و اشرار و لوطیان، امنیت کشور در معرض مخاطره قرار داشت و ناامنی اجتماعی گریبانگیر جامعه بود. از این رو برقراری امنیت در پایتخت و ایالات، راه‌ها و مرزها از حساسیت زیادی برخوردار شد که از چالش‌های عمده نظام قاجاری به‌شمار می‌رفت.

هدف اصلی در این مقاله، بررسی و تبیین علل ناپایداری امنیتی در عصر قاجاریه از آغاز تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه است. بر این مبنا این پرسش مطرح می‌شود که عامل عمده در بروز ناامنی‌ها در عصر قاجاریه چه بوده است؟ مفروض پژوهش عامل اصلی ناامنی‌های این دوره را از جنبه درونی به ساختار سیاسی و نظام اداره ایالات نسبت داده که حضور قدرت‌های مداخله‌گر فرامنطقه‌ای آن را تشدید می‌کرده است. این پژوهش از نوع پژوهش‌های تاریخی است و با تکیه بر منابع اصلی تاریخی و سفرنامه‌ای، به روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی سامان یافته است. با این‌که درباره ساختار اداری و برخی مناصب نظامی عصر قاجاریه پژوهش‌هایی انجام شده، اما گستره و اهداف مقاله حاضر را پوشش نداده‌اند، نظیر سیفی (۱۳۶۲) که پلیس جدید را مطرح کرده، لمبتون (۱۳۶۳) به سیر تکاملی منصب داروغه در دوره صفویه و قاجاریه پرداخته، فلور (۱۳۶۶) پلیس و پلیس بازار را، خسروبیگی (۱۳۸۱) تشکیلات اداری و نظامی و یوسفی‌فر و شکرزاده (۱۳۹۳) منصب داروغه را در دوره قاجاریه بررسی کرده‌اند. همچنین پژوهش‌هایی که درباره نظام قضایی و حقوقی و تاریخ دادگستری عصر قاجاریه انجام شده است. این نوع پژوهش‌ها هیچ‌کدام به مبحث امنیت و ناپایداری امنیتی این دوره نپرداخته‌اند. تنها احمدزاده (۱۳۹۳) در مقاله‌ای بسترهای تحدید و توسعه امنیت اجتماعی در ایران عصر قاجاریه را مطرح کرده که با